

## بررسی نقش فرهنگی زنان در عصر صفویه

اصغر منتظرالقائم<sup>۱</sup>

زینب شعبانی<sup>۲</sup>

### چکیده

با وجود نقش زنان در حفظ و انتقال فرهنگ (با توجه به نقش مادری)، بررسی نقش زنان در حوزه‌های فرهنگی یکی از مغفولات تاریخی محسوب می‌شود. علاوه بر این گاهی برخی از تاریخ‌نگاران زندگی زنان در عصر صفویه را جزء تاریک‌ترین ادوار زندگی زنان در تاریخ ایران می‌دانند. این مطالعه که به صورت تحلیلی توصیفی صورت گرفته، به دنبال بررسی جایگاه زنان در فعالیت‌های فرهنگی در این عصر می‌باشد. نتایج مطالعات که بر اساس منابع دست اول تاریخ و سفرنامه سیاحان صورت گرفته است حضور گسترده زنان را در عرصه‌های فرهنگی نشان می‌دهد. این زنان که اغلب از خانواده‌های روحانیون، طبقات بالا و گاهی خانواده‌های متوسط هستند در زمینه‌های علمی، هنری (نقاشی، خطاطی و شعر) و مدرسه‌سازی در قالب وقف فعالیت عمده‌ای داشتند. این نتایج نشان دهنده نقش مؤثر زنان در فرهنگ‌سازی و تداوم آن می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** زنان، فعالیت‌های فرهنگی، عصر صفویه.

---

۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه اصفهان

۲. دانشجوی دکتری مطالعات زنان، دانشگاه تربیت مدرس، zshabani890@gmail.com

## مقدمه

با توجه به نقشی که زنان در نهاد خانواده دارند و همچنین نقشی که مادر از لحظه انعقاد نطفه تا تولد و سپس در دوران کودکی، از نظر تربیتی، فکری و فرهنگی دارد، از جمله مهم‌ترین عوامل حفظ و انتقال ارزش‌های فرهنگی محسوب می‌شوند. برخی، زنان را مظهر مدنیت معرفی نموده‌اند. به اعتقاد این افراد تمدن‌ها از پیامبران آغاز می‌شود اما این زنان هستند که از طریق آموزش و القای ارزش‌ها، به صورت تدریجی زمینه حفظ و انتقال آن را فراهم می‌کنند.

با وجود این ما شاهد بی‌توجهی تاریخ‌نویسان به نقش زنان در این زمینه هستیم. بی‌شک تمدن و فرهنگ بشریت در طول حیات خود شاهد تحولات بسیاری بوده است و زنان به عنوان یکی از عوامل مهم و تعیین‌کننده در کنار مردان در همه عرصه‌ها تاثیرگذار بوده‌اند. زن در طول تاریخ به طور کلی و زن ایرانی به طور خاص موجودی است که به لحاظ فرهنگ حاکم بر جوامع در متن تحولات قرار داشته است. اگر چه از لحاظ سیاسی، نقش زن در تاریخ به اندازه مرد نیست، اما با توجه به آنکه حدود نیمی از اجتماع را زنان تشکیل می‌دهند نمی‌توان منکر نقش آنها هر چند به صورت غیر مستقیم در حوادث و جریان‌های مختلف بود!

در عصر صفویه با روی کار آمدن دولت جدید شیعی زمینه فعالیت بیشتر زنان فراهم شد. با وجود این می‌بینیم که در آثار و اسناد تاریخی، در ادوار مختلف تاریخ ایران، کمبود منابع دست اول درباره زنان، یا دشواری دسترسی به این منابع، به ویژه در این عصر، از

۱. جعفری و رضایی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۵.

جمله مشکلات تاریخ‌نگاری محسوب می‌شود.<sup>۱</sup> عبدالرسول خیر اندیش درباره دشواری‌های مطالعات تاریخی راجع به زنان در تاریخ ایران می‌نویسد:

«نیک می‌دانیم که از گذشته تا حال زنان نیمی از اجتماع بشری را تشکیل می‌دهند. این خود یکی از مهم‌ترین استدلال‌ها به نفع زنان در دفاع از حقوق آنان است. بر همین اساس نیز شکی نمی‌توان داشت که نیمی از تاریخ تعلق به زنان دارد. حتی نیمه دیگر تاریخ که تعلق به مردان دارد را با این استدلال که هر مردی از دامان زنی برخاسته و هر مرد بزرگی در کنار خود زن بزرگی داشته می‌توان متعلق به زنان دانست... با این حال بی‌هیچ شک و تردیدی تاریخ‌نگاری ما مردانه است و تقریباً تمامی صفحات تاریخ را به مردان خود اختصاص داده‌اند... به هر حال چنین می‌نماید که نمی‌توان به سادگی به مسئله حضور زنان در تاریخ و تاریخ‌نگاری پرداخت».<sup>۲</sup>

رونق گرفتن حرمسراها در عصر صفویه و دخالت‌های زنان در امور سیاسی، برخی از تاریخ‌نگاران را متقاعد کرد که حضور زن در عصر صفویه از تاریک‌ترین ادوار زندگی زنان ایرانی است. اما توجه به حضور زنان در اجتماع و موشکافی و بررسی دقیق فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی آنان می‌تواند جایگاه واقعی زن ایرانی را در شکل‌گیری و تداوم تمدن اسلامی مشخص کند.

سوالاتی که ذهن محقق را به خود مشغول نموده این است: زنان تا چه حد از شرایط و امکانات فراهم شده استفاده می‌کردند؟ عمده‌ترین فعالیت‌های فرهنگی زنان در چه حوزه‌هایی صورت گرفته است؟ در این مقاله، با استفاده از روش تحلیلی توصیفی و با استفاده از منابع اصلی، مقالات و گزارش‌های سیاحان خارجی، با نظری اجمالی نقش زنان را در

۱. حیدریان، ۱۳۸۸، ص ۱۲۰.

۲. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ۱۳۸۱، ص ۳.

عرصه فرهنگی در عصر صفوی بررسی گردیده و به تبیین این فرضیه خواهیم پرداخت که زنان در دگرگونی‌های فرهنگی عصر صفویه تاثیر بسزایی داشتند.

### عصر صفویه

دوران صفوی نقطه عطفی در تاریخ ایران به شمار می‌رود و از آن می‌توان به عنوان مرحله جدیدی در تاریخ ایران دوره اسلامی یاد کرد.<sup>۱</sup> سقوط دستگاه خلافت عباسی موجب وقفه و فترتی در زنجیره دولت‌های نیمه مذهبی مرتبط با دستگاه خلافت شد. از نتایج این وقفه، جابجایی تدریجی اقتدار مذهبی از سنی به شیعه بود. این مسئله خود موجب فاصله محسوسی بین دین و دولت و در نتیجه زمینه‌های مشروعیت بخشی به حکومت‌های دوره فترت شد. تشکیل دولت صفویه این فاصله را از بین برد و دولت جدید موفق شد با اتکای به اندیشه جدید بر مشکلات غلبه نماید.<sup>۲</sup>

صفویان سلسله‌ای از پادشاهان بودند که از حدود سال‌های ۹۰۷ تا ۱۱۳۵ هجری قمری به طور مستمر بر ایران حکومت کردند.<sup>۳</sup> در این عصر زمینه فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی زنان بیش از پیش فراهم شد. برخی از زنان دربار و همچنین زنان در خانواده‌های بزرگان و طبقات بالای جامعه امکان فراگیری دانش و زمینه‌های هنری را به دست آوردند. و برخی از این زنان توانستند همپای مردان در این عرصه‌های فعالیت نموده و نام خود را در تاریخ جاودانه کنند.

---

۱. افروغ و نوروزی طلب، ۱۳۸۹، ص ۸.

۲. جعفری، ۱۳۸۶، ص ۶.

۳. حیدریان، ۱۳۸۸، ص ۱۱۹.

## زنان در عرصه فعالیت‌های فرهنگی

در این دوران شاهد درخشش تعداد قابل توجهی از بانوان در عرصه‌های فرهنگی هستیم. این بانوان یا از خانواده‌های سرشناس و اهل علم زمان خود بودند و یا از سایر طبقات مردم، حتی در برخی موارد از طبقه حاکم، چون بعضی از زنان و دختران پادشاهان، درباریان و سران کشور در علم آموزش و یا تأسیس موسسات فرهنگی و علمی مانند مدارس، کتابخانه‌ها و نیز در عرصه‌های تعلیم و تربیت، زنان نامور و شایسته‌ای بودند که هنوز پس از گذشت چندین قرن آثار علمی و یا نهادهای آموزشی بنیان گذاشته شده توسط آنان بر جای مانده است<sup>۱</sup>.

نقش زنان در عرصه فرهنگی را می‌توان از دو جنبه مورد ارزیابی قرار داد بخش اول فعالیت‌های زنان در عرصه‌های فرهنگی و بخش دوم نقش زنان در آسیب‌های فرهنگی در عصر صفویه می‌باشد، که به اختصار به بخش‌هایی از آن اشاره می‌گردد:

### ۱- نقش مثبت زنان در عرصه فرهنگی

#### ۱-۱- فعالیت‌های فرهنگی زنان دربار

سلاطین و افراد متنفذ و معروف زنان متعددی داشتند و برای اداره آنها به دستگاه عریض و طویلی نیازمند بودند که این دستگاه ضرورت تشکیل حرمخانه یا حرمسرا را موجب می‌شد<sup>۲</sup>. زنان دربار با پرداختن به انواع سرگرمی‌ها، اوقات خود را سپری می‌ساختند و می‌کوشیدند زندگی در داخل حرم را شیرین سازند. زنان اسب سواری می‌کردند و در حرمسرا تیراندازی با تیر و کمان و تفنگ می‌آموختند. به آنها شکار کردن و

۱. ریاحی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۰.

۲. غفاری فرد، ۱۳۸۴، ص ۴۲.

دویدن به دنبال گوزن را یاد می‌دادند. زنان حرمسرا به نقاشی کشیدن، آواز خواندن، رقصیدن و ساز زدن می‌پرداختند.

آنها ادبیات و تاریخ و ریاضیات می‌آموختند. بسیاری از زنان حرمسرا به هنرهای گوناگون آراسته بودند و روز را با اشتغالات هنری به سر می‌آوردند. برخی از آنها چیزهای خوبی می‌بافتند، گروهی در نساجی و ریسندگی چیره دست بودند. بعضی از این زنان در انواع علوم و بیش از همه در ریاضیات دست داشتند! علاوه بر این زنان دربار از مشاوران عمده پادشاهان به حساب می‌آمدند. زنانی که در طول زندگی، فضل و عقل خود را به اثبات رسانیده بودند بهترین مشاور مردان بوده و مردان در انجام امور مهم مملکتی بدون نظر خواهی و مشورت با آنها کاری صورت نمی‌داده‌اند.<sup>۱</sup>

شاه تهماسب اول در مصالح مملکت با زنان مصلحت و مشورت می‌کرد. زینب بیگم دختر شاه تهماسب و عمه شاه عباس اول، از مشاوران اصلی شاه عباس بود و در نزد او احترام زیادی داشت. این زن تا آخر عمر شاه عباس از موقعیت عالی برخوردار بود. پس از فوت شاه عباس (۱۰۳۸ ق) به دلیل ترس از بروز شورش، به صلاحدید زینب بیگم، خبر فوت شاه را از مردم پنهان نگاه داشتند. پس از آنکه شاه صفی جانشین شاه عباس شد، زینب بیگم ریاست حرم شاه را عهده‌دار گردید.<sup>۲</sup>

به جز مواردی که در طول تاریخ از نقش زنان به صورت منفی در عرصه سیاست یاد شده، که به صورت دخالت و مشارکت در توطئه‌های دربار جهت برکناری شاه، یا وزیر خاصی بوده است، در مابقی موارد نقش زنان به صورت مثبت ارزیابی می‌شود. زنان به

۱. جهان گشای خاقان، ص ۷.

۲. حجازی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۱.

۳. غفاری فرد، ۱۳۸۴، ص ۳۷.

دلیل داشتن روحیه آرام و صلح‌جویی همواره در جهت جلوگیری از جنگ، ایجاد آرامش در عرصه سیاسی و دفاع از افراد جهت نجات از حکم‌های سنگین پادشاه اقدام می‌کردند. داشتن درایت از ویژگی مهم زنان ایرانی در عرصه سیاست است. اگر چه در طول تاریخ زنان اندکی حکومت کرده‌اند، اما در تمام مواردی که حکومت داشتند یا در حکومت نقش موثری ایفا نموده‌اند، موجب آرامش نسبی و رشد و ترقی در عرصه‌های علمی و اقتصادی شده‌اند.

## ۲-۱- زنان دانشمند

مسئله تعلیم و سوادآموزی زنان در این عصر در آن حد نبوده است که برای آنان وجهه خاص علمی یا ادبی و حتی دینی ایجاد کند چرا که به هر حال حتی اعتقاد به علم و دانش خاص زنان خود بوده است. در آن زمان دختران و زنان از بستگان خود چون پدر، عمو، برادر یا خواهر و مادر کسب فیض کرده و در صورت لزوم از سایر معلمان بخصوص زنان معلم سود می‌جستند.<sup>۱</sup> اگر چه دختران به زمینه‌های دیگری چون خط و نقاشی و شعر هم می‌پرداخته‌اند ولی تقریباً همه آنها در آغاز به تحصیل علوم دینی و خواندن قرآن کریم ترغیب و عده‌ای در این میان به پیشرفت‌هایی نائل می‌شدند.

با این وجود شاهد حضور زنان نامور و شایسته‌ای در عرصه‌های فرهنگی و تعلیم و تربیت هستیم. از جمله آنان آمنه خاتون یا آمنه بیگم یکی از چهار دختر عالم بزرگوار مجلسی اول، یعنی ملا محمد تقی مجلسی (۱۰۰۳-۱۰۷۰ق) است. سال تولد آمنه خاتون در دست نیست. مؤلف ریاض العلماء که همزمان با او می‌زیسته، از او به عنوان عالمه، صالحه و متقیه یاد کرده است.<sup>۲</sup> مؤلف ریاحین الشریعه به استناد یک نسخه خطی ریاض العلماء دو

۱. حجازی، ۱۳۸۱، ص ۴۷.

۲. ریاحی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۹.

اثر به آمنه بیگم نسبت می‌دهد یکی شرح الفیه ابن مالک و دیگری شرح شواهد سیوطی<sup>۱</sup>. کتابی هم در فقه و احکام دینی تألیف کرده است به علاوه وی در جمع‌آوری اخبار بعضی از مجلدات بحارالانوار برادرش، مجلسی دوم به وی کمک کرده است<sup>۲</sup>.

از دیگر زنان عالم این عصر حمیده دختر شریف‌بن‌شمس الدین محمد رویدشتی اصفهانی است. پدرش به مولا شریفا معروف بوده و از شاگردان شیخ بهایی به شمار می‌رفته است. برای او حواشی و تدقیقاتی بر کتب حدیثه مثل کتاب استبصار شیخ طوسی که از کتب اربعه است، وجود دارد، آن حواشی بر غایت فضل و غزارت علم او و فهم سرشار ایشان و کثرت اطلاع او بر علم رجال و دقت او در این قسمت دلالت دارد<sup>۳</sup>. او (رحمه الله علیها) فاضله، عالمه و استاد بانوان عصر خود بوده و در علم رجال اطلاعات کافی داشته است و هم دارای نوشته‌های پرمایه و پاکیزه‌ای بوده است. وی بازمانده فضلی سرشناس و در بین مردم زنی پرهیزگار بود<sup>۴</sup>.

فاطمه کاشانی مکتبی به ام سلمه (۱۱۴-۱۰۸۸ ه.ق) نیز از زنان عالم، فاضل، محدث، ادیب و شاعر این دوره است. او دختر شیخ محمد علم‌الهدی و نوه ملا محسن فیض کاشانی است. وی مقدمات علوم اسلامی را نزد خواهرانش و فقه و اصول را از عموهایش ابو حامد محمد مشهور به نورالهدی و معین‌الدین احمد فراگرفت و به تکمیل علوم نزد پدرش پرداخت. فاطمه از پدر و دو عمویش اجازه روایت داشت و از آنان روایت نقل می‌کرد<sup>۵</sup>.

۱. حجازی، ۱۳۸۱، ص ۴۸.

۲. علامه مجلسی، صص ۴۸ و ۴۹.

۳. ریاحین الشریعه، ج ۴، ص ۱۸۵.

۴. افندی، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۵۰۴.

۵. غروی نائینی، ۱۳۷۵، ص ۲۴۸.



## بررسی نقش فرهنگی زنان در عصر صفویه ۶۱

بدریه، ملقب به ام کلثوم (۱۰۹۰-۱۰۱۹ق) از دیگر زنان فاضل و ادیب این دوره است که علوم و فلسفه را نزد پدرش ملاصدرا فراگرفت و در حدود سال ۱۰۳۴ق به ازدواج ملاعبدالرزاق لاهیجی معروف به فیاض درآمد. سپس نزد همسرش درس خواند تا آنکه در اغلب علوم استاد شد. می‌گویند که وی با علما جلسات علمی برگزار می‌کرد و با فصاحت و بلاغت با آنها بحث می‌کرد.

زبیده خواهر بدریه نیز نزد پدر و خواهرش درس خواند و در ادبیات و تفسیر به مقام استادی رسید و حافظ قرآن شد. با آموزش ادبیات به فرزندش کمال الدین محمد معروف به میرزا کمال او را از استادان مبرز این رشته کرد.<sup>۱</sup> زبیده صاحب کتاب شرح شافیه است و فرزندش محمد تقی مجلسی ادبیات را نزد وی فراگرفت. شرح حال این بانوی عالم را سید شهاب الدین مرعشی نجفی در مقدمه کتاب معادن الحکمه ذکر کرده است.<sup>۲</sup>

بنت المنشار؛ دختر شیخ علی منشار عاملی و نیز همسر بهاء الدین عاملی (ف: ۱۰۳۲ق) و از زنان برجسته روزگار بود. وی را عالمه‌ای عامله، فاضله‌ای فقیهه و محدثه‌ای کثیر العلم و الفضل توصیف کرده‌اند. افندی از قول بعضی از معمرین، جزو دانشمندان زمان خود نوشته است آنها دختر شیخ علی را دیده‌اند در دورانی که هنوز سنی از او نگذشته بود فقه و حدیث درس می‌گفته و زنان نیز نزد او تحصیل علم کرده‌اند.<sup>۳</sup>

علاوه بر این زنانی چون سلطان بیگم «نوابه»، شاهزاده بیگم، شهربانو «دختر محتسب الممالک»، فاطمه دختر حمیده و نوه ملا محمد شریف رویدشتی و زنان عالم دیگری را می‌توان نام برد. عمده این زنان تربیت شده علمای بزرگ شیعی بودند که علم را از پدر،

۱. حجازی، ۱۳۸۱، صص ۴۷-۵۰.

۲. غروی نائینی، ۱۳۷۵، ص ۱۸۱.

۳. احوال و اشعار فارسی شیخ بهایی، ص ۳۷؛ ریاحین الشریعه، ج ۴، ص ۲۲۵.

برادر، عمو و یا مادر خود آموخته بودند، که نشان دهنده این است که در این خانواده‌ها دختران برابر با مردان اجازه تحصیل و ترقی داشته‌اند و عمدتاً مادران آنها نیز در کنار همسران خود به یادگیری علوم اسلامی مشغول بوده‌اند و همین امر موجب ترقی و تلاش بیشتر فرزندان بوده است.

### ۳-۱- فعالیت هنری

زنانی که در این بخش به فعالیت مشغول بوده‌اند بیشترین تعداد را دارند که حاکی از اقبال بیشتر زنان به مباحث ذوقی و هنری در این دوره است. این زنان در بخش‌هایی چون سرودن شعر، نقاشی و خطاطی مشغول بودند که به اختصار به نام برخی از ایشان اشاره می‌کنیم:

#### ۱-۳-۱- زنان شاعر

از جمله صفاتی که همواره به عنوان شناسه روح ایرانی مورد توجه بوده است طبع بلند شعری با مضامین عالی انسانی، اخلاقی، داستانی، عاطفی، حماسی تکریم شاعران بزرگ در فراخنای ایران زمین است که آثار شگرفی در زندگی روزانه ایرانیان از خود بر جای گذاشته‌اند.<sup>۱</sup> در سفرنامه شاردن در خصوص طبع شعری ایرانیان آمده است: «ایرانیان اعتقاد دارند که در قرون قدیم همه فلاسفه مشرق زمین شاعر هم بوده‌اند، و دانش خود را غالباً در خلال اشعاری که می‌سروده‌اند بیان می‌کرده‌اند تا مردمان سخنانشان را هم خوب‌تر بفهمند و هم همیشه در ذهنشان بماند. سرودن شعر از جمله هنرهای ذاتی ایرانیان است و همگی آنان دارای این خصوصیت و استعداد ذهنی لطیف می‌باشند؛ زیرا سرشت و باطن

۱. کریمی، ۱۳۸۶، ص ۴۵.

آنان سرشار از طراوت و درخشش فکری و تجلیات زیبا و اندیشه‌های متعالی است و همگی آنان با ادب، با صفا، ملایم طبع و با ذوق و دلباخته منش‌های نیکو هستند.<sup>۱</sup>

در این دوره زنان همچون مردان گوی سخن را در میدان شعر به جولان درآورده و همچنان که در این عصر شاعران بزرگ مرد نادرند حتی در گریختگان به هندوستان، در میان زنانی نیز که به کار شاعری پرداخته‌اند به رغم نوشته تذکره‌ها، نازک سخنان شیرین کلام خوشگویی وجود نداشته است. بیشتر این شاعران از همسران و دختران شاهان و بزرگان ایران بوده‌اند که در سمرقند، هرات، خراسان، گرگان، شیراز، اصفهان، کاشان، یزد و کرمان می‌زیسته‌اند. البته تعدادی از این زنان شاعر نیز از افراد عادی بوده‌اند. این تعداد تقریباً تمام زنان شاعر این عصر تا سال ۱۱۴۸ هجری قمری است (۳۰ نفر). نام‌های این ۳۰ تن در تذکره‌های شعرای اصفهان بیان شده، ما به اختصار به شرح احوال چند تن از این شاعران پرداخته و در نهایت نام مابقی را در قالب یک جدول خواهیم آورد.

آغاببیگم: زنده در اوایل قرن دهم هجری، متخلص به آقایی. دختر کوچک‌تر قرای (قرایی) خراسانی بود. پدرش در دربار محمدخان شیبانی (۹۰۵-۹۱۶ ه. ق)، از امرای خاندان شیبانی خدمت می‌کرد و خود نیز معاصر محمدخان بود. آغا بیگم به طبع خویش مغرور بوده و خود را هم سنگ شعرا و گویندگان بزرگ می‌دانسته است. برخی تذکره‌ها نام او را آقایی و آقا بیگم نیز ثبت کرده‌اند.

آغادوست: فاطمه خانم متخلص به دوستی از زنان شاعر ادیب (پیش از ۹۶۲ ق) است، وی دختر درویش قیام سبزواری بود. آغادوست در ادبیات و علم عروض و وقوف بصیرت

۱. شاردن، ج ۳، ۱۳۷۴، ص ۱۱۰۵.

کافی داشت و دارای طبعی سرشار بود. تذکرها از او با نام‌های آقادوست و آغنه دوست نیز یاد کرده‌اند.

آقاییگم جلایر: آقاییگم جلایر (آقاییگم آفاق) در ایام سلطان حسین بهادرخان در بلده هرات مرجع خاص و عام بوده، جمعیت تمام و اموال با سرانجام داشته، خدم و حشم و زوایات از گله و گوسفند و اسب و شتر و باغات و دکانین بسیار داشته و هر سال فضلا و شعرا را از غله خود وظیفه مقرر ساخته بود. کتاب خیرات حسان و تذکره الخوانین و تذکره صبح گلشن هر کدام به اختصار از آن زن دانشور و ادب دوست به نام آقا بیگم و روز روشن به نام آقاییگه یاد نموده و نوشته‌اند که او از زنان بلند پایه و ارجمند و با ذوق هرات بوده، طبع موزون داشته و همچنان که سلطان بهادر خان او را می‌نواخته او نیز به پرورش و نوازش سخنوران می‌پرداخته است.

ام ابیها: زینب از زنان عالم، فاضل، ادیب و شاعر قرن یازدهم هجری است. وی دختر شاه مرتضی کاشانی و خواهر ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۰۷-۱۰۹۱.ه.ق) بود و در زمان خود از زنان شاعر و سخنور کاشان به شمار می‌رفت.<sup>۱</sup> علیه بانو، مشهور به ام الخیر، دختر ملا محسن فیض کاشانی (ف: ۱۰۹۱.ق) نیز از زنان شاعر و ادیب بوده است. این بانو از شاگردان پدر خویش و از اکابر فضلی خاندان خود بود.<sup>۲</sup>

در هنگام افول دولت صفوی و پس از آن نیز زنان عالم و دانشمندی در اصفهان و اطراف آن بوده‌اند. از جمله این زنان عالم و شاعر خدیجه سلطان بیگم، دختر حسین علی خان داغستانی است. نسب وی به عباس ابن عبدالمطلب می‌رسد.<sup>۳</sup> وی ایام فتنه افغان

۱. دایره المعارف تشیع، ج ۲، ص ۴۹۷.

۲. ریاحی، ۱۳۷۵، ص ۶۰.

۳. ریاحی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۰.

## بررسی نقش فرهنگی زنان در عصر صفویه ۶۵

واستیلای آن گروه بر پایتخت دولت صفوی (۱۱۳۵-۱۱۴۸ق) و نیز استقرار دولت افشار (۱۱۶۰-۱۱۴۸ق) به وسیله نادر و اوائل دولت زندیه (۱۱۶۳ق) را نیز درک کرده است.<sup>۱</sup>

یکی دیگر از این زنان شاعر، رشحه دختر سید احمد هاتف اصفهانی است. که در اواخر عهد صفویه می‌زیسته و دوران افشاریه و زندیه را نیز درک کرده است. حسن وحید دستگردی درباره رشحه می‌نویسد: «هاتف اصفهانی را پسری بوده سحاب نام، در شاعری قوی مایه، و دیوان وی در حدود شش هزار بیت است، لکن رشحه از سحاب در شعر و شاعری بس والاتر و ارزنده‌تر است؛ ولی در پرده بودن وی را مانع شده است.<sup>۲</sup> تذکره «نقل مجلس» که تالیفی است مختصر و در آن از آثار و احوال شاعران عصر فتحعلی شاه سخن رانده شده است، از رشحه نیز به اختصار نامی برده و در مورد او آورده است: «از هر طرف نسبش به شعرا می‌رسد و به شرافت و سیادت نیز مشرف و به اعتقاد من طبعش از عفتی و لاله خاتون و مهری و مهستی که بهتر و مهتر شعرای نسوانند و در طایفه سخن داده‌اند، خوبتر است، در ادای مضمون قادر و قاهر است و قصیده‌ها و غزل‌ها گفته است.<sup>۳</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup>. تاریخ ادبیات ایران، ج ۵، ص ۱۷۹۸.

<sup>۲</sup>. ریاحی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۰.

<sup>۳</sup>. ریاحی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۳.

جدول شماره ۱، اسامی زنان شاعر دروه صفویه؛ منبع: کتاب ضعیفه، حجازی، ۱۳۸۱، صص ۶۰-۷۵

نام شاعر	توضیحات	نام شاعر	توضیحات
سراج‌الدین	متخلص به آرزو، مولف تذکره موسوم به تحفه النفائی و معروف به تذره آروز	دختر امیرنظام استرآبادی	از شاعران قرن دهم.
علی شاه	(وفات ۱۱۶۹ ه ق)	همسر میرزا خلیل	زنده در ۱۱۰۴ ق همسر رقم نویس دربار صفوی بود. شرح این بانو در قسمت سفرنامه نویسی خواهد آمد.
بیگی سلطان	زنده در ۹۰۷ ق	شاهی	از زنان رقااص و شاعر در نیمه دوم قر دهم قمری بود.
پرتوی	اهل تبریز، زنده در ۹۶۲/۹۵۸ ه ق. جامه گلگونی درآمد مست در کاشانه ام خیز ای همدم که افتاد آتش در خانه ام	دختر قاضی سمرقند، عصمت سمرقندی	تا فکنده است مرا بخت بد از یار جدا غم جدا می کشدم چرخ ستمکار جدا
پریخان خانم	متخلص به حقیقی، دختر شاه تهماسب اول صفوی ساقیا تکیه بر این دار فنا نتوان کرد باده پیش آر که تغییر قضا نتوان کرد	برادرش حاکم ولایت خواف بود و پیش از ۹۶۲ ق زنده بوده است. عصمت خوافی	از پا شکستگان طلب کعبه مشکل است. آن کعبه‌ای که دست دهد کعبه دل است
توران شاه	پیش از ۱۰۲۲ ق، دختر	فخر النساء	خواهر خانزاده

بررسی نقش فرهنگی زنان در عصر صفویه ۶۷

<p>دردم زیاد می‌شود و کمن نمی‌شود گفتم به صبر چاره کنم هم نمی‌شود.</p> <p>نسائی</p>	<p>پادشاه لار ای دوست به جان تو که ایمان دلست کاندوه تو راحت جان و دلست</p>
<p>یوسف برفت و تاب زلیخا به تن فرخ لقا نماند یعنی چ رفت جان رمقی به تن نماند</p>	<p>همسر شاه اسماعیل صفوی تو پادشاه جهانی، جهان ز دست مده که پادشاه جهان را جهان به کار آید</p> <p>جهان صفوی</p>
<p>متخلص به فصیحه دیگر نه ز غم نه از جنون خواهم خفت نه زین دل غلتیده به خون خواهم خفت</p>	<p>از شاعران قرن دهم، دختر مولانا بدری الدین هلالی استرآبادی بهار سیزه و گل خوش به روی جانان است و گرنه هر یک از این جمله آفت جان است</p> <p>حجابی</p>
<p>قصه خوان عامی بوده است ز خاک کشته‌های عشق گر خد لاله برخیزد پس از مردن ز خاک من فغان و ناله برخیزد</p>	<p>اهل شیراز و همسر اقوام الدین هر که غم جهان خورد کی خورد از حیات بر رو تو غم جهان مخور تا ز حیات برخورداری</p> <p>حیات شیرازی</p>
<p>سیده بیگم از زنان گرگان است.</p>	<p>ملک گرگانی زنده در ۹۶۲ ق.</p> <p>حیات هروی</p>

<p>عجب شیرین لبی لیلی          عذاری کرده ام پیدا          در این ایام خوشحالم که          یاری کرده ام پیدا</p>	<p>مرا دردی است در دل بی قرار از          هجر یار خود          چه گویم پیش بیدردان ز درد بی قرار          خود</p>
<p>زنده در ۹۶۲/۹۵۸ ق. دختر          امیر یادگار از امیر زادگان          تیموری بود.          شبنم در منزل ما میهمان          خواهی شدن یا نه          انیس خاطر این ناتوان          خواهی شدن یا نه</p>	<p>دختر عبدالرحمن مشفق (۹۲۷-          ۹۹۶ ق) مطایبه سرا و هجو گو بود.          منیره</p>
<p>در اواخر دوره صفویه          میزیسته و نواده ابلدرم          شمخال فرمانروای داغستان          است.</p>	<p>شدم دیوانه تا در خواب دیدم آن          پری رو را          چه باشد حال اگر بیند به بیداری          کسی او را</p>
<p>زنده در ۹۵۷ ق. خُرّامی تبریزی          نهمانی کرمانی</p>	<p>اگر چه مهر به تقدیر لایزال برآید *          به ماه من نرسد گر هزار سال برآید</p>



## ۲-۳-۱- زنان نقّاش

نگارگری یکی از هنرهای درخشان ایرانیان در دوره اسلامی است. نگاره‌های ایرانی منابعی هستند که ویژگی‌های انسانی، اجتماعی و هنری ادوار مختلف را بازتاب می‌دهند. هنر نگارگری معرف فرهنگ و تمدن غنی ایرانی اسلامی است. هنری که ریشه در اعتقادات، سنن مذهبی و باور دینی ایرانیان دارد.<sup>۱</sup>

در سفرنامه شاردن آمده است: «ایرانیان چنان که آثار کهنشان بیانگر این واقعیت است در دوران باستان در هنر نقّاشی و طرح‌ریزی و نقشه‌پردازی و منظره و مرایا سرآمد هنرمندان جهان بوده‌اند، اما به سبب دین اسلام که تصویر سازی و مجسمه سازی را حرام شمرده از ۱۰ قرن پیش از این هنر بیزاری جسته‌اند. اگر برخی نقّاشان دست به قلم می‌برند آثارشان ساده است و یا صورت‌هایی اگر می‌کشند همه نیم رخ و شبیه هم است. اما در کار نقشه‌اندازی و طرح‌ریزی گل و شاخه و برگ و مثال آن مهارت بسیاری دارند. نقّاشی‌های بیشتر صورتگران ایرانی به صورت مینیاتور است. این نقّاشی را که به کمال زیبایی و دلپسندی است روی صفحاتی از مقوای سخت سفید و صیقلی با مهارت تمام می‌کشند».<sup>۲</sup>

زنان نیز در این زمان به نقّاشی اشتغال داشته‌اند. آن‌ها شاگردان استادان معروف زمان، کمال الدین بهزاد، آقا رضا و رضا عباسی بوده‌اند که می‌تواند حاکی از شاگردی و کار تعداد بیشتری از زنان در این زمینه باشد. توصیف آثار به جامانده از آنها مبین علاقه آنها به کار پرتره و منظره‌پردازی است.

صحیفه بانو: از او با عنوان یکی از سه تن بانوی بلند آوازه در زمینه مینیاتور هندوستان نام برده‌اند. او را در نشان دادن حالات گوناگون اشخاص، قوی دست و در منظره و چهره

<sup>۱</sup>. افروغ و نوروزی طب، ۱۳۸۹، ص ۲۷.

<sup>۲</sup>. شاردن، ج ۳، ۱۳۷۴، ص ۱۱۳۹.

سازی چابک قلم و شیرین نگار می‌دانسته‌اند. از او سه اثر مینیاتوری به یادگار مانده است: اولی تصویری از یک ساختمان نیمه تمام و کارگرانی که مشغول کارند. دوم، منظره‌ای از یک گورستان عمومی که گوری را برای خاکسپاری شخص محترمی آماده می‌سازند و در کنار آن تابوتی است که بر روی شانه افراد حمل می‌شود؛ سوم، تصویر شاه تهماسب اول صفوی در کلاه مخصوص قزلباشی است، در حالی که دست‌ها را روی زانو نهاده و بر قالیچه‌ای نشسته و جوی آبی در کنار او روان است.

نادره بانو: از زنان نقاش نیمه اول قرن یازدهم هجری است. او دختر میرزا تقی بود که همراه پدرش به هند سفر کرد و زیر نظر آقا رضا، نقاش معروف زمان شاه عباس اول صفوی (۹۹۶-۱۰۳۸ق)، اکبر شاه (۹۲۶-۱۰۱۴ق) و جهانگیر (۱۰۱۴-۱۰۳۷ق) از پادشاهان بامری هند، هنر نقاشی آموخت و چیره دست شد. از او دو اثر امضا دارش در کتابخانه سلطنتی ایران موجود بوده است: یکی از این آثار تصویر مرد روحانی مسیحی است که کتابی در دست گرفته و هاله‌ای از نور طلایی به دور سرش ساطع گشته و روی دفتر امضا کرده است: «بنده پادشاه سلیم، عمل نادره بانو شاگرد رضا دختر میرتقی» و دیگری تصویر مرد مقدسی است که به مطالعه کتاب مشغول است و در افق دور منظره غاری که گویا محل تولد حضرت مسیح (ع) است دیده می‌شود.

مسکینه: از دیگر زنان نقاش قرن یازدهم هجری است. وی در شبیه‌سازی و تصاویر حیوانات چیره دست بود. از آثار زیبای او دو تصویر شبیه سازی در یکی از مرقعات سلطنتی ایران بوده که در یکی از آنها مرد درویشی را زیر درخت ترسیم نموده و تصویر دیگر، نقش مرد عابد ساحری است که شیر رام شده‌ای در کنار او آرمیده است.

امینه: دیگر نقاش قرن یازدهم هجری که در مینیاتور پیرو مکتب رضاعباسی، هنرمند معروف دوره صفوی بود، امینه است. از او تنها دو اثر مینیاتور باقی است: اثر اول، سه پیر

## بررسی نقش فرهنگی زنان در عصر صفویه ۷۱

مرد مست را در حال صحبت نشان می‌دهد و اثر دوم منظره‌ای است که در آن قوچ شاخ داری در پشت کوه نمایان است.<sup>۱</sup> مهارت زنان در هنر نگارگری و مینیاتور نشان دهنده ذوق و استعداد بالای زنان ایرانی و توانایی آنها در رقابت با مردان دارد. این زنان هر گاه مجال فعالیت داشته‌اند، گوی سبقت را از دیگران ربوده و نام خود را در تاریخ ماندگار کرده‌اند.

### ۳-۳-۱- زنان خطاط

در میان هنرها، «خوشنویسی» را می‌توان مهم‌ترین نمونه تجلی روح اسلامی به شمار آورد. هنر خوشنویسی بازتاب ذوق و اندیشه و به بیانی حکایت رابطه تناتنگ انسان با زندگی است. خوشنویسی نه تنها به عنوان یک هنر و یا شغل، بلکه به عنوان ابزاری برای تجلیل و عبادت به کار می‌رود و از همان قرون اولیه اسلام نگاشتن کلام خداوند و قرآن کریم به بهترین و عالی‌ترین وجه ممکن از راه خط و خوشنویسی معمول عالم اسلام شد. عموم پادشاهان، شاهزادگان و حتی امیران صفوی علاقه‌مند به این هنر بوده و بعضی خود از استادان فن، خوشنویسی را فرا می‌گرفتند و خطاطان و هنرمندان در دربار آنان مقامی بلند و عزت و اعتباری ارجمند داشتند و همین امر باعث ترویج انواع فنون و مشهور بسیاری از نوابغ خط، به‌ویژه خط نستعلیق و ثلث است. از خوشنویسان مشهور و بنام این دوره می‌توان به «شاه محمود نیشابوری»، «علیرضا عباسی»، «باباشاه اصفهانی»، «میر عماد حسنی صیفی قزوینی»، «سلطان علی مشهدی»، «مالک دیلمی»، «عماد الحسنی» و... اشاره کرد.<sup>۲</sup>

---

۱. حجازی، ۱۳۸۱، ص ۸۳.

۲. افروغ و نوروزی طلب، ۱۳۸۹، ص ۱۸.

هنرنامه‌ی بانوان در زمینه خوشنویسی - که ارتباط کامل با سواد و احاطه آنان به ویژه در علوم دینی داشته - پس از تربیت توسط پدران، مجال ظهور پیدا کرده است و این می‌رساند که فرزندان خانواده‌های اهل علم و هنر نسبت به تربیت دختران خود همانند پسران حساس و مراقب بوده‌اند و چنانکه گفته شد بعضی نیز معلمانی سواى افراد خانواده خود داشته‌اند. چند نمونه از این زنان عبارتند از:

سلطان بانو: این زن، دختر شاه اسماعیل صفوی (۹۰۷- ۹۳۰ ه.ق) بود. وی در زمان خود از زنان نیکوکار و اهل هنر و به خصوص هنر خوش نویسی بوده است. به نوشته گلستان هنر، وی خوشنویسی را از دوست محمد هروی فرا گرفت. دو قطعه از مرقع بهرام میرزا به خطاطی وی در کتابخانه خزینه اوقاف است.<sup>۱</sup>

زینب سلطان: دختر مقصود علی خوشنویس از خوشنویسان قرن دهم است. وی خوشنویسی را از پدرش فرا گرفت. یک نسخه دیوان شریف در کتابخانه مدرسه سپهسالار به خط وی است.<sup>۲</sup>

فاطمه سلطان: این بانوی خوشنویس در سال ۹۸۲ قمری زنده بوده و میرزا حبیب اصفهانی نام پدر او را نیز مقصود علی از ترکان عثمانی نوشته است که در اوایل حکومت صفویان به ایران مهاجرت کرده است ممکن است او و زینب سلطان خواهر باشند. قرآنی وزیری، اصیل متن نسخ کتابت خفی خوش که پنج صفحه آخر به خط نسخ و رقاع کتابت خوش است به خط او موجود است که به خواهش سلطان بیگم از نوادگان شاه تهماسب صفوی در سال ۹۸۲ ق تحریر شده است.

---

۱. احوال و آثار خوشنویسان، ج ۱، ص ۲۶۷.

۲. همان، ص ۲۲۳.

## بررسی نقش فرهنگی زنان در عصر صفویه ۷۳

گوهرشاد: دختر میرعماد قزوینی (۱۰۲۴) بود و نستعلیق نویسی را از پدرش فرا گرفت و سرآمد زنان نستعلیق نویس است یک نسخه گلستان سعدی با قلم کتابت عالی به خط وی در قم و تاریخ کتابت «کتابه العبد المذنب گوهر شاد غفر لها ۱۰۲۵» موجود است! مؤلف «احوال و آثار خوشنویسان» به نقل از میرزا سنگلاخ می‌گوید: گوهرشاد همسر میرمحمدعلی خدیو الخطاطین بوده است. این خانم خط نستعلیق را از پدر خود تعلیم گرفته است. مؤلف گوید: «در میان زنان خوشنویس کسی به زبردستی او در نستعلیق ندیده‌ام».

خواهر ملارحیم اصفهانی: بانویی که در برخی از کتاب‌های تذکره از او نام برده شده است از زنان دانشمند اواخر عصر صفوی بوده است. مؤلف ریاض العلماء (ف: ۱۳۰ق) که با وی معاصر بوده، نوشته است: این بانو الان در اصفهان سکونت دارد و از دانشمندان معروف است و من از حضور پدر و برادرش استفاده‌های علمی برده‌ام. خطش در غایت خوبی است، خط نسخ و نستعلیق را خوب می‌نویسد، بعض فوائد او را به خط خودش دیده‌ام که از آن جمله «شرح لمعه» را به خط نسخ بسیار عالی نوشته است.<sup>۳</sup> هنر خوش نویسی زنان برخواسته از روح بلند و علم بالای آنها است. این زنان هنر خوشنویسی را در خدمت تعالیم اسلام درآوردند تا منابع اسلامی را از دستبرد نااهلان و فراموشی در اثر گذر زمان حفظ نمایند.

---

۱. حجازی، ۱۳۸۱، ص ۸۴.

۲. احوال و آثار خوشنویسان، ج ۳، ص ۵۹۴.

۳. ریاحی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۰.

## ۴-۱- نقش زنان در عرصه موقوفات آموزشی در دوره صفویه

سده دهم هجری، سده پیدایی و استقرار نهاد وقف در عصر صفوی و دوران فرمانروایی شاه عباس یکم، دوره شکوفایی بخشی از این نهاد با کارکردهای مشخص داخلی و خارجی است. دوره پس از او تا روزگار شاه سلیمان، دوره استمرار حیات نهاد وقف در شکل نهادینه آن بود که تا عصر شاه سلطان حسین نیز استمرار یافت. دوره پس از سقوط اصفهان، دوره آشفته‌گی در نهاد وقف است.<sup>۱</sup> زنان نیز در این زمینه فعالیت بسیاری داشتند. به نوشته فیگوئروا، سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول، زنان ثروتمند عصر صفوی در کارهای خیر و عام‌المنفعه از مردان دست و دل بازتر بودند، به طوری که بسیاری از کاروانسراها و ساختمان‌های عام‌المنفعه از صدقات زنان که معمولاً فقیرتر از مردان بودند، ساخته می‌شد.<sup>۲</sup>

از میان ۵۹ وقف‌نامه موجود در اداره کل اوقاف اصفهان، که به دوره صفوی تعلق دارد، تعداد ۱۷ وقف‌نامه از بانوان این شهر باقی مانده است. یعنی در واقع، واقف ۰/۲۹ موقوفات اصفهان در دوره صفویه بانوان هستند.<sup>۳</sup> این اوقاف را می‌توان در جدول زیر خلاصه نمود:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. شاطری و آرزومندان، ۱۳۹۱، ص ۱۳.

۲. فیگوئروا، ۱۳۶۳، ص ۱۲۷.

۳. احمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۴.

## بررسی نقش فرهنگی زنان در عصر صفویه ۷۵

جدول شماره ۲: وقف نامه‌های بانوان اصفهان در دوره صفویه

تاریخ	شماره ثبت	نام واقف	مصرف وقف
۱۰۴۹	۳۶۹	حاجیه خاور خانم	وقف بر اولاد، سهمی هم روضه خوانی
۱۰۵۷	۱۰۶	دلارام خانم	مخارج مدرسه جده کوچک
۱۰۵۷	۱۰۳	حوری نام خانم	مخارج مدرسه جده بزرگ
۱۰۷۱	۱۱۱	گوهر شاه بیگم	زائران و مجاوران حرم حضرت علی (ع) و امام حسین (ع)
۱۰۷۵	۶۹۷	خیر النساء	وقف بر دخترش بدر جهان خانم
۱۰۷۹	۱۵۱	مادر شاه سلیمان	بر عتبات عالیات
۱۰۸۳	۵۰	دده خاتون	وقف بر دخترش رضیه بانو خانم
۱۰۹۰	۲۷	مروارید خانم	روشنایی و عطر اماکن متبرکه
۱۰۷۰، ۱۰۹۲	۶	زبیده بیگم دختر شاه سلیمان	بر عتبات عالیات
۱۰۹۹	۲۷۹	مادر شاه سلیمان	بر چهار تن از غلامان خودش
۱۱۰۰	۵۸۰	مادر شاه سلیمان	امامزاده شمس الدین
۱۱۰۱	۸	بدر جهان خانم	قسمی بر مدرسه جده کوچک و باقی بر دو تن از فرزندان و پس از آنها بر تمامی فرزندان به جز کسانی که به خارج از کشور مهاجرت کرده اند.
۱۱۰۳	۵۲۱	زینب بیگم	جهت نیازمندان
۱۱۰۴	۳۷۶	عزت نساء خانم	مدرسه علمیه بید آباد و میرزا حسین و طلاب شیعه
۱۱۱۳	۱۰۵	زینب بیگم	مدرسه نیم آورد
۳۱، ۱۱۲۵	۳	مریم بیگم، عمه بزرگ شاه سلطان حسین	جهت اطعام ماه رمضان و روضه خوانی امام حسین (ع) در مدرسه احدائی وقف (مدرسه مریم بیگم)
۱۱۳۱	۴۰	حشمت نساء خانم دختر محمد رضا منجم باشی	یک سهم جهت قرائت قرآن، یک سهم برای چند تن از کنیزان واقف و سهم دیگر با صوابدید متولی جهت امور خیریه

با توجه به جدول فوق می‌توان این موقوفات را به چند بخش تقسیم نمود: ۶ مورد وقف مدرسه، ۳ مورد وقف بر اولاد، ۵ مورد وقف بر امامان و امام زادگان، ۳ مورد وقف بر اشخاص (غیر از فرزندان) مانند وقف بر غلامان و کنیزان واقف و وقف بر نیازمندان.

موقوفات دیگری که در منابع تاریخی مطرح می‌شود بسیار هستند؛ از جمله زوجه شاه عباس اول، کاروانسرای به نام کیخسرو ساخته بود که از بناهای باشکوه و عالی به حساب می‌آمد. زینب بیگم دختر شاه تهماسب و عمه شاه عباس اول، در طول زندگانی خود راه‌ها و پل‌ها و کاروانسراها و بیمارستان‌های متعدّد ساخت و نزدیک صد هزار تومان، که معادل میلیون‌ها پول امروزی است، در این راه خرج کرد. میهن بانو سلطانه، دختر شاه اسماعیل اول و خواهر تنی شاه تهماسب نیز خانقاه‌ها و کاروانسراها و پل‌های زیادی ساخته بود.<sup>۱</sup>

علاوه بر این دوران صفویه را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ اوقاف ایران به ویژه در تاریخ «نهاد مدرسه» به شمار آورد.<sup>۲</sup> جالب توجه‌ترین بخش موقوفات زنان نیز بخش مربوط به مدارس است. در این زمان مدارس وقفی بسیاری در شهر اصفهان تأسیس شدند که زنان در ایجاد این مدارس نقش بسیاری داشتند. از میان ۷۵ مدرسه‌ای که در این دوره تأسیس شده بانی چهار مدرسه بانوان بوده‌اند. برخی از زنان نیز اموال خود را برای اداره و نگهداری مدارس موجود وقف می‌کردند. از جمله بدر جهان خانم که بخشی از اموال موقوفه خود را به مدرسه جدّه کوچک اختصاص داده و عزت نساء خانم که بر طلاب مدرسه میرزا حسین در بیدآباد اصفهان وقف نموده است.<sup>۳</sup>

۱. غفاری فرد، ۱۳۸۴، ص ۵۴.

۲. شاطری و آرزومندان، ۱۳۹۱، ص ۱۴.

۳. احمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۳.



مدرسه جده بزرگ و جده کوچک از جمله مراکز آموزشی بوده که تاکنون دایر و منشأ برکات علمی و معنوی بوده‌اند. مؤسس مدرسه جده کوچک دلارام خانم، مادر بزرگ یا جده شاه عباس دوم (سلطنت ۱۰۵۲-۱۰۷۷ق) است. وی برای این مدرسه موقوفاتی نیز قرار داده است که برخی از دکان‌های قسمتی از بازار اصفهان از آن جمله است.<sup>۱</sup> مدرسه جده کوچک که این بانو مؤسس آن بوده است در قسمتی از بازار بزرگ اصفهان موسوم به قهوه کاشی‌ها قرار دارد. سنگ مرمری به خط ثلث سفید به دیوار یکی از غرفه‌های شمالی این مدرسه نصب شده است که حاوی تاریخ اتمام این نهاد آموزشی به سال ۱۰۵۷ق است.<sup>۲</sup> یکی دیگر از این مدارس، مدرسه‌ای به نام «نیم آور» (نیم آورد) است. که در کنار یکی از ورودی‌های شمالی بازار بزرگ اصفهان بنا گردیده و بانی آن زینب بیگم اردستانی بوده است. این بانو همسر محمد مهدی حکیم الملک اردستانی بوده که در عهد سلطنت شاه سلطان حسین صفوی علاوه بر بنای مدرسه، اموال و املاک زیادی را وقف کرده است.<sup>۳</sup> مدرسه نیم‌آور از سال ۱۳۱۷ قمری تا کنون از مهمترین نهادهای آموزشی و جزو مدارس فعال حوزه علمیه اصفهان به شمار می‌رود که علاوه بر سکونت بسیاری از طلاب، مجالس درس و بحث در علوم اسلامی و فقه شیعی نیز در آن برقرار است.<sup>۴</sup>

مریم بیگم دختر شاه سلیمان صفوی - معروف به شاه صفی - (در سال ۱۱۱۵ ه ق) مدرسه‌ای در محله خواجه نزدیک چهارسوت‌نقاشی ساخته که متأسفانه امروز به کلی ویران شده است. مساحت مدرسه تقریباً چهار جریب است و موقوفه بسیاری برای طلبه و لوازم

۱. رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲، ص ۵۵۳.

۲. ریاحی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۶.

۳. رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲، ص ۵۰۶.

۴. ریاحی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۶.

آبادی آن معین کرده بود. حتی از شهرهای اصفهان نیز ملک خریده و وقف همان مدرسه نموده بود، تا جایی که از تبریز، بسطام، قزوین و غیره هم موقوفه داشت.<sup>۱</sup> گذار در حدود سال ۱۳۱۸ش می‌نویسد سردر مدرسه مزبور تازه خراب شده است. امروزه در محل مدرسه دبستانی ساخته شده و دو لوح سنگی حاوی کتیبه از مدرسه قدیمی در آنجا باقی مانده و کتیبه سردر مدرسه در موزه ایران باستان تهران نگهداری می‌شود.<sup>۲</sup> شاه خانم، دختر میرزا احمد بیک نمکی از زنان خیر و نیکوکار زمان سلطنت شاه عباس دوم صفوی (۱۰۵۲-۱۰۷۷ق) بوده است. این بانو خود را از اعقاب خواجه نظام الملک طوسی می‌دانسته است.<sup>۳</sup> بدین سان زنان عصر صفویه در رونق نظام آموزش و تعلیم و تربیت نقش موثری ایفا کردند.

#### ۵-۱- سفرنامه‌نویسی زنان

سفرنامه‌نویسی نوعی شرح حال‌نگاری است که از قرون نخستین اسلامی در میان مسلمانان رواج داشته است. یکی از کارهای با ارزشی که ملت‌ها را با فرهنگ‌ها و چگونگی زندگانی یکدیگر آشنا می‌کند. خداوند در قرآن کریم انسان را به سیر و سفر و عبرت و آموزش از سرگذشت پیشینیان دعوت می‌نماید: «قل سیرو فی الارض فانظروا کیف بدأ الخلق»<sup>۴</sup>.

با مروری کلی بر سفرنامه‌های نوشته شده در تاریخ ایران و جهان مشاهده می‌گردد که اکثر این سفرنامه‌ها توسط مردان نگاشته شده است. در حقیقت مسافرت کردن به معنای

۱. ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۷۴.

۲. تاریخچه اوقاف اصفهان، ۱۳۴۶، ص ۲۹۸.

۳. آثار ملی اصفهان، رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲، ص ۱۴۷.

۴. عنکبوت/۲۰.

بیرون آمدن زن از اندرون فی نفسه برای مرد ایرانی امر مطلوبی نبود و او به هر شکل ممکن در برابر تقاضای زن برای مسافرت مقاومت می‌کرد. از این رو، رفتن به مسافرت برای زنان یک آرزو بود. برخی از زنان مهریه خود را به شوهرانشان می‌بخشیدند و برخی برای جلب رضایت شوهرانشان خود به خواستگاری دختری کم سن و سال می‌رفتند تا او را برای شوهرشان عقد کنند. با این تدابیر ممکن بود شوهر زن را به همراه خود به زیارت ببرد یا اجازه دهد که زن به همراه پدر یا برادرش راهی سفر شود.<sup>۱</sup> هیچ زنی، چه شوهردار، چه بیوه یا مجرد، حق نداشت به تنهایی سفر کند زیرا غیر از مسئله امنیت، ناچار بود در کاروان با چاروادارها و قهوه‌چی‌ها و مأموران گمرک سر و کار داشته باشد، بنابراین حتماً باید با یکی از محارم مذکر خود سفر می‌کرد.<sup>۲</sup>

با این وجود در دوران صفویه تعدادی از زنان بودند که، به مناطق مختلف ایران و سایر کشورها از جمله به هند، عراق، شام، حجاز و یا سایر ممالک برای کسب معلومات و علم-آموزی و یا زیارت و سیاحت مسافرت می‌نمودند؛ حتی آثاری در این زمینه منتشر شده است؛ از جمله کتابی از خانمی که نامش ذکر نشده و تنها به خاطر نام شوهرش که میرزا خلیل بوده، او را «زوجه میرزا خلیل رقم نویس» یاد کرده‌اند. وی در سفری که به قصد زیارت بیت الله الحرام داشته است و به تبع آن، از عتبات و شام دیدار کرده، اشعاری را مشتمل بر هزار و دویست بیت به نظم درآورده و دقیقاً مناظر مهم و قابل توجه در سفر را به تصویر کشیده است. این اشعار بیانگر وسعت بینش، دقت و ذوق ادبی اوست.<sup>۳</sup>

۱. مونس الدوله، ۱۳۸۰، ص ۱۲۴.

۲. گروته، ۱۳۶۹، ص ۱۴۵.

۳. ریاحی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۲.

به چند دلیل سفرنامه این بانو از اهمیت برخوردار است. یکی اینکه سفرنامه به نظم نوشته شده است که علاوه بر جنبه‌های تاریخی و مذهبی آن به عنوان یک اثر ادبی مطرح است. دوم اینکه نویسنده آن یک زن است. این خود در تاریخ ادبیات فارسی یک گوهر به شمار می‌آید. به علاوه پرداختن ایشان به جنبه‌های جغرافیایی نیز ارزش دیگری به کار داده است.<sup>۱</sup>

## ۲- زنان و آسیب‌های فرهنگی عصر صفویه

عمده‌ترین نقش زنان را در این بخش می‌توان در خرافه پرستی و توجه بیش از حد به رفتارها و آداب خرافی دانست. عمده‌ترین عامل این مسئله به عدم آگاهی کافی زنان و نبود امکانات آموزشی کافی برای آنها و همچنین تاثیرپذیری بالای آنها از جامعه مربوط دانست. در دوره‌های پایانی حکومت شاه سلطان حسین، به دلیل نزول شدید اخلاقیات در عرصه حکومت و در میان عامه مردم، شاهد رواج اخباری‌گری در حوزه‌های علمیه شیعه بودیم. به گونه‌ای که این امر موجب شد تا مدتی جلو اجتهاد هم گرفته شود. مردم راحت طلب و کام جو و آسان پسند ایران نیز که نمی‌خواستند پیرامون حقایق تشیع فکر کنند و توان اندیشیدن را هم نداشتند، با شرایط موجود بدون در نظر گرفتن اثرات بلند مدت آن خو گرفتند. از پیامدهای مهم اخباری‌گری در جامعه آن زمان باید به رواج خرافات اشاره کرد. رواج روحیه خرافات و تبلیغ آداب و عاداتی که با روح اسلام متکی بر استدلال و استنباط مخالف بود.<sup>۲</sup> خرافات اگر چه پیرامون مسائل واقعی همچون آداب و آیین و رسوم اجتماعی شکل می‌گیرند اما هسته واقعی ندارند. از این نظر نمی‌توان خرافات را همچون

۱. ریاحی، ۱۳۷۵، ص ۱۸۴.

۲. جعفری، ۱۳۸۶، ص ۳۰.

## بررسی نقش فرهنگی زنان در عصر صفویه ۸۱

اساطیر، نماینده تداوم زندگی فرهنگی جامعه‌ای برشمرده و به عکس، باید آن را نشانه ایستایی و توقف در فرایند تحول زندگی فرهنگی جامعه محسوب کرد.<sup>۱</sup>

این ویژگی هم موجب شکل‌گیری رویکردهای فرهنگی جامعه عصر صفوی حول اخبار و احادیثی شد که در مورد اصالت و صحت آنها تردید وجود دارد و هم روح ظاهرگرایی و توجه به باورهای سطحی را در جامعه ترویج می‌داد. این مسئله در آیین‌ها نمود بیشتری پیدا کردند. آیین‌ها، مسائل عمده‌ای را در بر می‌گیرد که پیرامون زندگی روزمره بشر جاری است. از این رو، آیین‌ها را معرف دین، مذهب، دیدگاه و ابعاد مختلف زندگی مردم یک جامعه محسوب کرده‌اند. اموری همچون تولد، بلوغ، ازدواج، مرگ و باروری را در این دسته می‌توان قرار داد. یک نکته مهم در این فرایند این است که زنان عصر صفوی از این رویکرد، بیشترین تاثیر را پذیرفته و نقش مهمی در تداوم و رواج آن داشته‌اند.

زنان در عصر صفوی نقش‌های مختلف سیاسی و اجتماعی داشته‌اند اما بخشی جامعه اخباری‌زده عصر صفوی فرصت علم و دانش‌افزایی را از این بخش جامعه گرفته بود. این مسئله موجب خانه‌نشینی بودن آنان در محیط خانه می‌شد. تنهایی زنان و دوری از مراکز آموزشی و تعریف برخی وظایف کلیشه‌ای برای زنان در آن دوره، زمینه‌گرایش بیشتر آنها را به خرافات و باورهای نادرست فراهم کرده بود. یک نکته مهم پیرامون موضوع، این است که این مسئله بیشتر برای زنان شیعه دیده می‌شود، در حالی که زنان اقلیت‌های مذهبی شرایط متفاوتی داشتند.<sup>۲</sup>

---

۱. جعفری و رضایی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۶.

۲. همان، ص ۱۳۸.

خرافات در ازدواج: ازدواج یکی از مهم‌ترین رسوم اجتماعی فراگیر در هر جامعه است. این رسم اجتماعی متناسب با فرهنگ هر جامعه‌ای با رسوم و آداب خاصی همراه است. شاید بتوان مهم‌ترین سنت نادرست در این دوره را تسلط بی‌حد و حصر مرد بر زن و پدر بر دختر عنوان نمود. علاوه بر آن اعتقاد به سعد و نحس بودن ساعات برای ازدواج و همین‌طور شیوه‌های نامعقولی که جوانان برای ابراز علاقه خود به معشوقه به کار می‌بردند. خرافات در حوزه باروری: ناباروری زنان، یکی از مهم‌ترین مشکلات و مسائل زنان در این دوره بود. این مسئله به دلیل عدم رشد دانش پزشکی و علوم تجربی در این زمینه و شناخت و رفع آن بر اساس شیوه‌های علمی و منطقی بود. از این رو برای رفع آن، سنت‌ها و باورهای متعددی رایج شده بود که برخی از آنها کاملاً خرافی بود. رواج چند زنی در این دوره و جایگاه زن به عنوان عامل و مقصر اصلی در ناباروری، از مهم‌ترین عللی بود که زنان آن دوره را به سمت عقاید و باورهای خرافی و نادرست می‌کشاند. از عقاید خرافی در این زمینه اعتقاد به شفاذهی جسد مرده و چله‌گیری با جام مسین در چهار شنبه‌ها در حمام شیخ بهایی بود.

این رفتارهای غلط از طریق خود زنان استمرار یافته و به نسل‌های بعدی نیز منتقل شد و در بعضی از موارد با کمی تغییر همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. همان‌طور که بیان گردید عمده‌ترین عامل این مسئله به جهل و ناآگاهی زنان بر می‌گردد. و ناآگاهی زنان در اثر دور نگه داشتن آنان از مراکز علمی و اختصاص دادن فضای داخل منزل به زنان است، به گونه‌ای که به غیر از زنان طبقات بالا و خانواده‌های علمای دین، مابقی زنان امکان یادگیری علوم اسلامی را نداشتند، علاوه بر این فشارهای نادرستی که از سوی جامعه و حتی خود زنان به آنها اعمال می‌شد زمینه‌گرایش زنان به خرافات را فراهم می‌نمود. البته

این امر تنها به زنان این عصر و حتی زنان طبقات پایین جامعه محدود نمی‌شود؛ کما اینکه امروزه نیز این نوع رفتارهای غلط در تمام جوامع دیده می‌شود.

### نتیجه‌گیری

زن در فرهنگ دیرین و پر عظمت کشور ما همواره مقامی ارجمند و بلند داشته است. درایت و کفایت، خردمندی و تیز هوشی زنان هر دوران در اغلب آثار ادبی و تاریخی به چشم می‌خورد. تحت تأثیر عدالت و دادگستری اسلام و شرایطی که برای حضور زنان در اجتماع به وجود آمد، این امکان را به زنان داد تا علاوه بر انجام وظایف مادری و همسری، در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هم‌پای مردان فعالیت نمایند و نقش مهمی در دگرگونی‌های فرهنگی این دوره ایفا کنند. حضور ۲۹ درصدی زنان در زمینه اوقاف نشان دهنده آزادی زنان و استقلال اقتصادی آنها و همچنین نشان دهنده میزان توجه زنان به فرهنگ و تعلیم و تربیت جامعه می‌باشد. حضور ۳۱ زن شاعر در عصری که برخی از تاریخ نگاران متعصب آن را عصر انحطاط ادبیات ایران می‌خوانند، و حضور زنان خطاط و نقاشی که در این عرصه‌ها هنرنمایی می‌کنند نشان از درایت و هوش سرشار زنان ایرانی دارد. البته این نکته نیز قابل توجه است که بیشتر این زنان از خانواده‌های بزرگان و متمولین جامعه بودند که امکان رشد و تحصیل را برای فرزندان دختر و پسر خود به تساوی فراهم نموده بودند، اما با این وجود در میان عامه مردم نیز نمونه‌هایی از این زنان هنرمند و عالم دیده می‌شود. زنان ایرانی در هر دوره‌ای که امکان فعالیت و شکوفایی استعدادها را به دست آورده‌اند، موجب حیرت و تحسین انسان‌های بی طرف قرار گرفته‌اند. با مطالعه تاریخ زنان عصر صفویه روشن می‌گردد، این دوره عصر شکوفایی برای حضور فرهنگی زنان در عرصه تاریخ و فرهنگی این دوره بوده است. نگاهی به زندگی این زنان و درک نقشی که زنان در حوزه تربیت کودک و اداره خانواده ایفا می‌کنند، می‌تواند

بیانگر اهمیت وجود زنان در تداوم و استحکام فرهنگ و تمدن جامعه باشد. امروزه لازم است با مطالعه دقیق و معرفی زنان نامور ایرانی در دوره‌های مختلف تاریخ و تمدن ایرانی زمینه بررسی بیشتر فرهنگ و هویت ایرانی را فراهم آورد.

### کتابنامه

- قرآن کریم
- احمدی، نزهت (۱۳۹۰)، در باب اوقاف صفوی، نشر موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، چاپ اول.
- افندی، میرزا عبدالله (۱۴۰۱.ق)، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- افروغ، محمد و نوروزی طلب، علیرضا (۱۳۸۹)، مفاهیم مذهبی در هنر عصر صفوی، نامه پژوهش فرهنگی، سال یازدهم، شماره دهم.
- بیانی، مهدی (۱۳۶۳)، احوال و آثار خوشنویسان، تهران، علمی، چاپ دوم، ج ۲ و ۱.
- تفضلی، تقی (۱۳۴۶)، سفرنامه سانسون (وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی)، تهران.
- جعفری، علی اکبر و رضایی، مرجان (۱۳۹۰)، بررسی نگرش زنان شیعه عصر صفویه به خرافات و باورهای نادرست، دوفصلنامه علمی ترویجی بانوان شیعه، س ۸، ش ۲۶.
- جعفری، علی اکبر (۱۳۸۶)، بررسی و تحلیل بحران‌های تاثیر گذار اجتماعی و اقتصادی در ایران از سقوط صفویه تا برآمدن قاجار [۱۲۱۰-۱۱۳۵ ه.ق / ۱۷۹۷-۱۷۲۳م] پایان‌نامه دکتری رشته تاریخ گرایش ایران دوره اسلامی.
- ----- (۱۳۶۴)، جهان گشای خاقان، مقدمه و پیوستها از الله دتا مضطر، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.



## بررسی نقش فرهنگی زنان در عصر صفویه ۸۵

- حجازی، بنفشه (۱۳۸۱) ضعیفه؛ بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی، تهران، نشر قصیده سرا، چاپ دوم.
- حیدریان، زهرا (۱۳۸۸)، زنان واقف در عصر صفوی، فرهنگ، شماره ۷۰، صص ۱۱۹-۱۳۸.
- حاج سید جوادی، احمد صدر؛ فانی، کامران و خرمشاهی، بهاءالدین دایره المعارف تشیع، تهران، بنیاد اسلامی طاهر.
- محلاتی، شیخ ذبیح الله، ریاحین الشریعه، در ترجمه و توضیح مشاهیر زنان و دانشمندان شیعه، دارالکتب الاسلامیه، ج ۴ و ۵.
- ریاحی، محمد حسین (۱۳۷۵)، مشاهیر زنان اصفهان از گذشته تا عصر حاضر، نشر روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان، چاپ اول.
- ریاحی، محمد حسین (۱۳۸۵)، نقش بانوان شیعه اصفهان در فرهنگ و تمدن ایران و اسلام، فصلنامه بانوان شیعه، سال سوم، شماره ۱۰.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۵۲)، آثار ملی اصفهان، تهران، انجمن آثار ملی.
- سپنتا، عبدالحسین (۱۳۴۶)، تاریخچه اوقاف اصفهان، انتشارات اداره اوقاف اصفهان.
- شاطری، مفید، آرزومندان، راضیه (۱۳۹۱)، بررسی روند تغییرات نقش و جایگاه موقوفات زنان از دوره صفوی تا عصر حاضر، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۴، ش ۱، ۵-۲۳.
- شاردن، جان (۱۳۷۴)، سفرنامه شاردن، ج ۳ و ۴، ترجمه اقبال یغمایی، توس، تهران، چاپ اول.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۲)، تاریخ ادبیات ایران، انتشارات فردوس، چاپ هشتم، ج ۵.
- غروی نائینی، نهلا (۱۳۷۵)، محدثان شیعه، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، تهران، چاپ اول.
- غفاری فرد، عباسقلی (۱۳۸۴)، زن در تاریخ نگاری صفویه، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول.
- فیگوئروا، دن کارسیادسلوا (۱۳۶۳)، سفرنامه سفیر اسپانیا درباره شاه عباس اول، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو.
- قائمی، علی (۱۳۷۳)، حیات زن در اندیشه اسلامی، انتشارات امیری، چاپ اول.

## ۸۶ دوفصلنامه کتبیبه میراث شیعه

- قدیانی، عباس (۱۳۸۴)، تاریخ فرهنگ و تمدن در دوره صفوی، تهران، انتشارات فرهنگ مکتوب، چاپ دوم.
- گروته، هوگو (۱۳۶۹)، سفرنامه گروته، ترجمه مجید جلیلود، تهران، نشر مرکز.
- کریمی، علی (۱۳۸۶)، بازتاب هویت فرهنگی ایرانیان در سفرنامه‌های عصر صفوی و قاجاری، فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم، شماره ۱.
- مونس الدوله (۱۳۸۰)، خاطرات مونس الدوله، ندیمه حرمسرای ناصرالدین شاه، به کوشش سیروس سعدوندیان، تهران، نشر زرین.
- منشی بوداق قزوینی (۱۳۷۸) جواهرالآخبار، تصحیح محسن بهرام نژاد، تهران، نشر میراث مکتوب.
- نصرآبادی، محمد طاهر (۱۳۷۸)، تذکره نصرآبادی، به کوشش احمد موقّق یزدی، انتشارات دانشگاه یزد.
- نویدی شیرازی (عبد بیگ) خواجه زین‌العابدین علی (۱۳۶۹) تکمله‌الخبار، با مقدمه و تصحیح و تعلیقات دکتر عبدالحسین نوایی، تهران، نشر نی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی